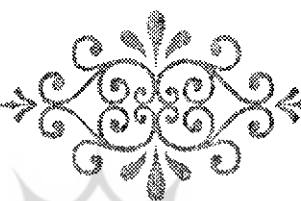


# شکوه و زیبایی در ترجمه قرآن دهلوی



مسعود انصاری



هستند، از خداوند متعال آرزوی توفیق روزافزون می‌کنم.

از سوی آن بزرگواران معرفی اجمالی چند ترجمه از ترجمه‌های فارسی قرآن کریم، به عهده بنده گذاشته شد که امیدوارم بتوانم از این طریق خدمتی هرچند بی‌مقدار به ساحت قدسی کلام پاک الهی و شیفتگان و دلدادگان قرآن کریم کرده باشم. به حق یکی از شاهکارهای صورت پذیرفته در عرصه ترجمه قرآن کریم، ترجمه ولی‌الله بن عبدالرحیم، معروف به شاه ولی‌الله محدث دهلوی است. این ترجمه از آغاز پیدایش خود، همواره توجه خواص قرآن‌پژوه و عموم

خداوند متعال را سپاسگزارم که توجه و اهتمام به قرآن کریم، آخرین نسخه شفای آسمانی به طور عام و ترجمه متن مقدس به طور خاص در میهن اسلامی ما هر روز رواج و رونق بیشتری می‌گیرد و پژوهش‌های قرآنی جدی‌تر دنبال می‌شود. یکی از موهبت‌های الهی در یکی دو سال گذشته، پیدایی میمون و مبارک مجله قرآنی بینات بوده که به رغم عمر کوتاهش خیر و برکت‌های بسیاری داشته است، فرصت را غنیمت می‌شمارم و برای دست‌اندرکاران فرزانه این مجله وزین و پرمحتوی و برای هرچه بهتر انجام دادن رسالت بزرگی که عهده‌دارش

نوگرایی و مبارزه با امپریالیزم غرب در هند بسیار مدیون اندیشه های محدث دهلوی است تا آنجا که پس از وفاتش شاه اسماعیل شهید و سید احمد بریلوی به منظور رهایی مسلمانان، جنبشی را پایه گذاری کردند و علیه اندیشه غربی و اعتلای مسلمانان به مبارزه پرداختند.

وی در کودکی از بلوغی سرشار برخوردار بود. در مدت اندکی توانست در رشته های مختلف دانش رایج آن زمان سرآمد دیگران شود و حتی نوشته اند که در پانزده سالگی به تدریس پرداخت. چنانکه پس از وفات پدر بر کرسی تدریس تفسیر، منطق، فقه و حدیث تکیه زد و به پرورش طالبان بسیاری پرداخت و خود نیز در این راستا فرصت یافت به موشکافی بیشتر علوم اسلامی بپردازد. تنوع تألیفات وی در علوم چون اقتصاد، سیاست، مباحث اجتماعی، کلامی و مابعدالطبیعی گواه این گفته است.

شاه ولی الله پس از آنکه دوازده سال به امر تدریس در هند اشتغال داشت در سال ۱۱۴۳ هـ. ق برای گزاردن فریضه حج راهی حجاز شد. گویند در آنجا در درس حدیث و فقه ابوطاهر کردی، و فدالله مکی، تاج الدین قالی و ... حاضر شد و نیز از عالمانی که برای گزاردن حج و عمره

مردم را، در هند، پاکستان، افغانستان و مناطق شرقی و جنوب شرقی ایران، به خود جلب کرده است، اما متأسفانه به خاطر اشتباه نام مترجم با عبدالعزیز محدث دهلوی که رویکردی ضد شیعی داشته است، مورد بی مهری دیگر مسلمانان دیار ما واقع شده و هنوز هم این شبهه از میان نرفته و برخی اوقات مطرح می شود که امیدوارم با این توضیح، موضوع روشن شود و مترجم قرآن و صاحب کتاب حجة الله البالغة از شخص پیش گفته معلوم و مشخص شده باشد.

### آشنایی با مترجم

قطب الدین احمد، ابن عبدالرحیم معروف به شاه ولی الله دهلوی (۱۱۱۴-۱۱۷۶ هـ. ق، ۱۷۰۲-۱۷۶۲ م) از پرآوازه ترین شخصیت های فکری و فرهنگی قرن دوازدهم در شبه قاره بود. تاج عالم علوم مسلم است که نیاکان وی از عربستان به هند مهاجرت کرده اند اما تاریخ کاملاً مشخصی برای این مهاجرت ذکر نشده است. و به قرآینی گفته اند که سیصدسال پس از هجرت رسول خدا ﷺ از مکه به مدینه بوده است که با عنایت به تاریخ پیش گفته نیاکان شاه ولی الله، نه قرن پیش از وی در هند می زیسته اند.

مخالفت های جدی بسیاری از دگم اندیشان آن دیار رو به رو شد، اما وی ارتباط عامه مردم غیر آشنا با زبان عربی را با قرآن کریم واجبی گریزناپذیر تلقی می کرد و برای تحقق این هدف قرآن را به فارسی ترجمه کرد، چنانکه پس از او پسرش شاه رفیع الدین نیز به ترجمه متن مقدس به اردو پرداخت.

علاوه اقبال لاهوری در باره او می گوید:

وی نخستین مسلمانی بود که ضرورت نواندیشی درباره سراسر نظام اسلامی را به گونه ای که از گذشته خود منفصل نشود، احساس کرده بود.

### آشنایی با ترجمه

آشنایی این حقیر با ترجمه محدث دهلوی، به آغاز آشنایی ام با قرآن کریم و ترجمه آن بازمی گردد و همواره در طول عمرم در سفر و حضر آن را همراه داشته و سخت شیفته و دلداره آن بوده ام و با اینکه خودم قرآن کریم را ترجمه کرده و توفیق ویرایش چند ترجمه دیگر را نیز داشته ام و ترجمه هایی نو و کهن در اختیار دارم، اما همواره کام تشنه خویش را از آبشخور همین ترجمه سیراب می کنم و از عمق توجه

به مکه مکرمه می آمدند، علم آموخت و نیز با ارتباط با حاجیان دیگر سرزمینهای اسلامی از اوضاع سیاسی-اجتماعی اسلام آگاه شد.

وی پس از چهارده ماه سکونت در عربستان، به هند بازگشت تا آموخته هایش را به رشته تحریر درآورد و از سال بازگشت خویش ۱۱۴۵ هـ.ق تا سال وفاتش ۱۱۷۶ هـ.ق، کتاب های متعددی نوشت که بررسی آرا و نظریات وی در مباحث تاریخی، اجتماعی، سیاسی، فقه، تفسیر، ترجمه و ... مجالی بیشتر می طلبد که در حوصله این مختصر نمی گنجد.

«حجة الله البالغة»، در قواعد، مقاصد و اسرار شریعت را می توان مهم ترین اثر وی دانست که به ویژه در مباحث فقهی، توجه نوگرایان دینی را به خود جلب کرده است. تأثیرپذیری مؤلف در این کتاب از غزالی، خطابی و عزبن عبدالسلام شافعی مذهب، آشکار است.

نوشته های قرآنی دهلوی نیز عبارت اند از: فتح الخبیر فی اصول التفسیر و فوز الکبیر فی اصول التفسیر که کتاب اخیر در اصل به فارسی بوده و بعدها به عربی ترجمه شده و هم اکنون بیشتر ترجمه عربی آن مورد عنایت قرآن پژوهان است.

ترجمه وی نیز از قرآن کریم با

و ریزه کاریها و دقت نظرهای مترجم به شگفت می مانم و نکته ها می اندوزم.

### عمده ترین ویژگی های ترجمه

۱. در یک نگرش کلی به متن ترجمه، می توان بر میزان تسلط مترجم به علوم و معارف مختلف اسلامی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در ترجمه قرآن کریم نقشی دارند، پی برد و یقین کرد که در معارفی چون: صرف، نحو، علوم بلاغی، علوم خاص قرآنی، علوم حدیث، لغت، اشتقاق، وضع و... دستی توانمند داشته است. ذکر نمونه برای هریک از موارد پیش گفته در حوصله این مقال نمی گنجد.

فراگیر بودن دانش مترجم موجب شد، که ترجمه اش نسبت به بسیاری از ترجمه های دیگر، از لغزش کمتری برخوردار باشد، چنانکه نمونه های بسیاری از نقد و نظرهای دانشمندان فرزانه، جناب آقای بهاء الدین خرّمشاهی و نیز مواردی از یادداشت های شخصی خود را بر این ترجمه عرضه داشتم و طی مدتی که مشغول ویراستاری فنی این اثر بودم، کم تر به مواردی برخوردم که بتوان نامش را لغزش گذاشت.

این گمان پدید نیاید که در این ترجمه هیچ کاستی و نقصی وجود ندارد،

بی عیب و نقص، خداوند یگانه قهار است و برگزیدگان محبوبش و وجود کاستی های فراوان در ترجمه های موجود از قرآن کریم حجّتی سرشار بر اعجاز کلام حقّ است، بل که به تحقیق می توان گفت که عیب و نقص محتوایی و علمی این اثر، به مراتب از دیگر ترجمه های موجود کم تر است و کسانی که می خواهند بیشتر به این حقیقت پی برند، به نقد مثبتی که جناب آقای دکتر غلامعلی حدّاد عادل - چهره آشنای محافل علمی کشور - بر این ترجمه در کیهان اندیشه (ش ۴۰/۲۶ - ۳۹) نوشته اند، رجوع کنند.

البته باید در نظر داشت که این ترجمه از سوی شخصی صورت گرفته که غیر ایرانی و غیرافغانی بوده است و زبان فارسی زبان مادری اش نبوده و هنر ترجمه هنوز روشمند و فنی نشده بود و مترجمان به کتابخانه های جامع و فراگیر دسترسی نداشته اند.

۲. دومین ویژگی این ترجمه شیوایی نثر است، اگرچه بتوان آن را ترجمه ای تحت اللفظی تلقی کرد، نیز به انصاف می توان گفت در میان ترجمه های تحت اللفظی منحصر به فرد است و نارسایی های دیگر ترجمه های لفظ به لفظ کم تر در آن دیده می شود، اگرچه یک

باره مجالی مفصل می‌طلبد که برای یکایک ساختارهایی چون قیود، حال، فصول مطلق، معانی حروف، ضمائر فصل و... جز آن نمونه‌ای ذکر کنیم. اما برای آنکه به هدف خود نزدیک‌تر شویم یک مورد از دقت نظر مترجم، به ترکیب درست عبارات عربی قرآن کریم را یادآور می‌شویم و آن را با دو مورد از ترجمه‌های مطرح روزگاران می‌سنجیم تا موضوع هرچه بیشتر برای خوانندگان گرامی روشن شود.

در ترجمه آیه چهارم سوره مبارکه مَسَد: «وامراته حمالة الحطب» به ترتیب، ترجمه‌های آقایان دکتر فولادوند و استاد آیتی آمده است:

فولادوند: (وزنش، آن همیشه‌کش [آتش‌افروز]).

آیتی: (وزنش هیزم‌کش است)

دهلوی: (وزن او نیز درآید، مراد می‌دارم بر دارنده هیزم را)

نیک واضح است که «امراته» عطف بر ضمیر فاعل در فعل «سیصلی» است و نحویان در ترکیب «حمالة الحطب» دو وجه ذکر کرده‌اند، یا آن را حال از «امراته» می‌دانند یا مفعول فعل محذوف می‌شمارند که در ترجمه آقای فولادوند به عطف توجه شده اما ترکیب «حمالة الحطب»

نثر سرراست فارسی نیز به شمار نمی‌آید، اما خواننده همواره جمله‌ها و عباراتی کوتاه و زود یاب که از هنر و ویژگی‌های نثر امروزمین است، فراروی خود می‌بیند. در حقیقت می‌توان آن را به منزله پلی بین ترجمه‌های لفظ به لفظ و ترجمه‌های صورت پذیرفته با نثر معیار عصر حاضر دانست که به عنوان نمونه آیه ۹۹ سوره اسراء را از نظر می‌گذرانیم:

«اولم یروا أن الله الذی خلق السموات والارض قادر علی أن یخلق مثلهم وجعل لهم اجلاً لاریب فیه فابی الظالمون إلا کفوراً»

آیا ندیده‌اند که آن خدایی که آفرید آسمانها و زمین را تواناست که بیافریند مانند ایشان. و ساخته است برای ایشان میعادى که هیچ شبهه نیست در آن. پس قبول نکردند ستمکاران مگر انکار را.

۳. سومین و مهم‌ترین ویژگی ترجمه محدث دهلوی، دقت نظر کم نظیر نسبت به ساختار نحوی عبارات قرآن کریم است. اگرچه این دقت نظر و پایبندی به ترکیب عربی عبارت، گاهی به زیبایی نثر ضربه زده است، اما زودفهمی آن را همچنان باقی گذاشته و به آسانی می‌توان به مفهوم عبارات ترجمه پی برد. بحث در این

چندان روشن نیست و بیشتر به بدل شبیه تر است، اما به ترجمه درست نزدیک تر است. ولی آقای آیتی نه به عطف توجهی داشته و نه به ترکیب حمالة الحطب نظری انداخته و حتی منصوب بودن حمالة نیز نظر وی را جلب نکرده و به آسانی او را استینافیه گرفته و بدون کمترین امعان نظری در غالب یک جمله اسمیه، حکم به هیزم کش بودن آن زن کرده است که چنین ترجمه ای مدلول این آیه شریفه قرآنی نیست.

لکن با توجه به ترجمه دهلوی، به آسانی می توان به پایبندی او به نحو قرآنی و در نهایت فهم درست عبارت پی برد، مورد پیش گفته از موارد روشنی است که بسیاری از مترجمان در آن، به لغزش دچار شده اند، در ترجمه محدث دهلوی ریزبینی های فراوانی وجود دارد که از دقت نظر فراوان مترجم پرده برمی دارد.

ذکر نمونه پیشین برای کم جلوه دادن دیگر ترجمه ها نبوده است - نعوذ بالله - بل که هدف ما جلب نظر خوانندگان گرامی به دقت نظر موجود در این ترجمه است.

۴. چهارمین ویژگی ترجمه دهلوی، آوردن برابره های قابل فهم و درست برای مفردات است. بیشتر خوانندگان این ترجمه در این باره شاید قسمت اخیر آیه ۷۴ سوره اعراف ما را از آوردن هر مثال دیگری برای اثبات این ادعا بی نیاز سازد: در ترجمه عبارت «تَتَّخِذُونَ مِنْ سَهُولِهَا قُصُورًا» آورده است:

از اغلاط مطبعی و عدم سجاوندی این ترجمه می نالند و هرگز از مفرداتش شکوه ای نداشته اند، چرا که آنها از رساترین کلمات فارسی برگزیده شده و کم تر حاجت می افتند که کسی برای فهم کلمه ای به لغت رجوع کند. چنانکه با مقایسه بین نثر میبدی که کلماتش به رغم اصیل بودن و برخوردار بودن از ساختاری ادبی چنان ارزشی دارد که بی نیاز از شرح است، اما بیش از آنکه نظر عموم مردم را به خود جلب کند، به کار شیفتگان ادب و دلدادگان نثر اصیل فارسی می آید. اما حکایت ترجمه دهلوی کاملاً برعکس است، نه آنکه فاقد ارزش ادبی باشد، بل که صرفاً ادبی نیست و در آن معنا فدای لفظ نشده است، اگرچه امروزه می توان برای برخی از کلمات، برابره های مناسب تری پیدا کرد، ولی برابره های مناسب و دقیق مترجم، می تواند برای مترجمان جدید بسیار راهگشا باشد تا به معادل های مناسب تر و دلنشین تر دست یابند.

در این باره شاید قسمت اخیر آیه ۷۴ سوره اعراف ما را از آوردن هر مثال دیگری برای اثبات این ادعا بی نیاز سازد: در ترجمه عبارت «تَتَّخِذُونَ مِنْ سَهُولِهَا قُصُورًا» آورده است:

ذکر نمونه پیشین برای کم جلوه دادن دیگر ترجمه ها نبوده است - نعوذ بالله - بل که هدف ما جلب نظر خوانندگان گرامی به دقت نظر موجود در این ترجمه است.

۴. چهارمین ویژگی ترجمه دهلوی، آوردن برابره های قابل فهم و درست برای مفردات است. بیشتر خوانندگان این ترجمه

آسانی در دو عبارت از یک‌آیه (آیه ۳۷ سوره مبارکه یوسف) ملاحظه کرد. در ترجمه عبارت «ذَلِكَمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي» آمده است: (این تعبیر از آن قبیل است که آموخته است مرا پروردگار من) که پایبندی مترجم به ساختار دقیق عبارت قرآنی به شدت معلوم می‌شود و در عین حال در ترجمه عبارت «وهم بالآخرة هم كافرون» آمده است: (و ایشان به آخرت نامعتقدانند) که به درستی ضمیر «هم» را که در عبارت عربی ظاهر است در ترجمه مستتر داشته است.

۷. ویژگی هفتم این ترجمه، دقت لازم در معانی حروف است، این دقت در موارد بسیاری برای مترجمان جدید راهگشا است. مگر در یک مورد که موجب تکرار و فرو کاسته شدن دلنشین نثر فارسی است و آن ترجمه «فا» به «پس» است که بسیار آمدن آن با عنایت به معانی مختلف با شیوایی و رسایی کلام عرب کاملاً سازگار است، اما در فارسی تا اندازه‌ای فصاحت را خدشه دار می‌کند، چرا که انتقال تمامی معانی این حرف (ترتیب، تراخی، تفصیل، عطف، زایده و...) به «پس» ممکن نیست و تکرار این لفظ ملال‌آور است. برای آنکه دقت نظر دهلوی در معانی حروف بیشتر معلوم شود، لازم

(می‌سازید از نرم آن کوشکها)

که «تَخْذُونَ» را به ساختن، ترجمه کردن در این آیه کاملاً درست و متین و سازگار با اهداف هنر ترجمه است و سهول و قصور نیز به درستی معادل‌گزینی شده‌اند.

۵. پنجمین ویژگی این ترجمه یکدست بودن آن است، چنانکه اگر سه عبارت از آغاز، میان و پایان این ترجمه برگزیده شود، هر طبع بی‌آلایشی درمی‌یابد که خواستگاه هر سه عبارت یک قریحه بوده است.

یکدست بودن ترجمه نیز از شاهد مثال‌های یادشده در این مقال قابل دستیابی است.

۶. رعایت امانت نیز از شاخصه‌های مهم ترجمه دهلوی است، چنانکه از آوردن معنای کم‌ترین حرفی در ترجمه دریغ نداشته و بسیار کم اتفاق افتاده که کلمه‌ای را حتی به قرینه، حذف کرده باشد. در عین حال در این کار پای در دایره افراط نگذاشته و زیاده‌روی در ترجمه لفظ به لفظ تا آنجا که خواننده را از مفهوم اصلی دور سازد، در این ترجمه ردّ و نشانی ندارد و سعی مترجم همواره بر آن بوده است که معنا را فدای لفظ نکند و بس. چنانکه می‌توان هر دو مورد پیش‌گفته را به

از باب نمونه: در حاشیسه آیه ۸۶ سوره طه، در شرح کلمه «عهد» در عبارت قرآنی «افطال علیکم العهد» می نویسد: یعنی مدت مفارقت من.

در آیه ۸۷ همین سوره در شرح عبارت: «فقد فناها» می نویسد: یعنی در آتش.

نیز در شرح عبارت «الا تقبعن» در آیه ۹۳ همین سوره می نویسد: یعنی به قتل اهل ضلال.

مزایا و کارآمد ترجمه محدث دهلوی هرگز در موارد پیش گفته خلاصه نمی شود و ما به اقتضای یک معرفی اجمالی، اندکی از آن بسیار را در میان آوردیم تا چه در نظر آید.

در نهایت به موضوعاتی جداً دل آزار می رسیم که از جا افتادن این ترجمه بسیار کاسته است؛ رسم الخط بسیار نادرست چاپ های موجود از این ترجمه باعث شده است که خوانندگان ترجمه های قرآن، نسبت به آن کم رغبت شوند. افزون بر این، اغلاط نوشتاری بسیاری دیده می شود که گاه تا دگرگون ساختن معنای اصلی عبارت پیش رفته است.

ترجمه محدث دهلوی بارها در شبه قاره، گاه همراه با مواهب علیه (تفسیر حسینی)، یا به گونه مستقل همراه با کاستی های پیش گفته به طبع رسیده و نیز

است که یادآور شویم در عربی واوی به نام واو صرف وجود دارد که این واو از نظر بسیاری از مترجمان متون عربی و ادبی نهان مانده است، اما دهلوی با عنایت به همین واو، در ترجمه عبارت «ولمّا یعلم الله الذین جاهدوا منکم و یعلم الصابرين» (آل عمران/ ۱۴۲/۳) آورده است: «و هنوز متمیز نساخته است خدا مجاهدان را از شما و پیش از آنکه جدا کند صابران را».

به خاطر آنکه سخن به درازا نکشد از شرح این مجمل پرهیز کرده و تنها به این نکته بسنده می کنم. از دیگر نظریاتی که نحویان پیرامون واوی که بر سر «یعلم» درآمده و موجب تغییر آن شده است، طرح کرده اند، آگاهم. و ذکر این نمونه تنها به آن خاطر بوده است که خوانندگان گرامی دریابند که دهلوی تا چه میزان به معانی دقیق حروف عنایت داشته و همواره درست ترین ها را برمی گزیده است.

۸. ویژگی دیگر ترجمه دهلوی شرح یا افزوده های تفسیری خارج از متن ترجمه است، این افزوده ها اگرچه اندک اند اما بسیار روشنگر و با عنایت به آن می توان پی برد که دهلوی به ضرورت افزوده های تفسیر در خارج از متن نظر داشته و گاهی اوقات در متن نیز چنین افزوده هایی ملاحظه می شود که بسیار اندک شمارند.



در طول مدتی که بنده نسخه هایی از این ترجمه را در اختیار داشتم همواره از رسم الخط و اغلاط نوشتاری و مطبعی آن رنج می بردم و چشم انتظار بودم که کسی به تصحیح این متن گرانسنگ قرآنی همت گمارد، اما این آرزویم روا داشته نشد تا اینکه شخصاً به ویرایش فنی آن پرداختم.

تلاش ناچیز بنده را نمی توان تصحیح متن، براساس مبانی این فن گذاشت چرا که نه بضاعت اندک خودم برای این امر کفایت می کرد و نه استقبال کنندگان این ترجمه می پذیرفتند که به تصحیح آن براساس اصول و مبانی نوین تصحیح اقدام شود. در عین حال به توفیق الهی به بازنویسی و درست نگاری آن براساس آیین نگارش مرسوم در ایران پرداختم و تا حد امکان عبارات را سجاوندی کردم که استفاده خوانندگان محترم را بسیار سهل و برای آسان خوانی ترجمه و جلوگیری از به اشتباه افتادن مفید واقع شود. در این راستا حدود چند هزار غلط نوشتاری و مطبعی را اصلاح کردم که امید است مقبول بارگاه حق قرار گیرد، حاصل تلاش بنده حروفچینی شده و آماده نشر است. واللّٰه ولیّ التوفیق.

در سال گذشته (۱۴۱۶ هـ.ق) در عربستان از عین نسخه چاپ شده در پاکستان افسست شده است، اما با چند تفاوت مثبت و منفی؛ مزیت های این چاپ تنها در چاپ، کاغذ و صحافی خلاصه می شود و افزون بر عیب و نقص چاپ پاکستان، افتادگی هایی هم در آن دیده می شود، به عنوان نمونه در آیه ۳ سوره مبارکه حمد در ترجمه مالک «وند» آمده که روشن است در چاپ پاکستان «خداوند» بوده و لفظ جلاله «خدا» افتاده است.

دیگر آنکه ناشر - حتماً - به اشارت مفتیان درباری سعودی که بدیهی است از یک صدم دانش دهلوی هم برخوردار نبوده اند، در ترجمه دستبرد زده و الفاظ مبارکه «اللّه» و «اله» را عیناً جایگزین ترجمه های آن، که توسط مترجم صورت پذیرفته بود، کردند. شاید آنچه را که درباره حذف «خدا» در آغاز لفظ خداوند در ترجمه مالک گفتیم، در این راستا صورت پذیرفته باشد و ندانسته باشند که خداوند در اینجا به معنای صاحب اختیار بوده است، چنانکه در جای جای این ترجمه تکرار شده است، آنگاه نتوانسته اند چیزی را جایگزین کنند و از خاطرشان رفته باشد که این کار با هیچ یک از مبانی علمی سازگار نیست.